

بررسی و نقش شهرداری‌ها در پیشگیری از جرم

راضیه اکبری*

۱- کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، بوشهر، ایران. (کارشناس حقوقی املاک شهرداری)

چکیده

افزایش نرخ جرم و گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی در شهرهای امروز، ضرورت توجه به سیاست‌های پیشگیری از جرم را دوچندان ساخته است؛ به‌ویژه آنکه تجربه کشورها نشان می‌دهد رویکردهای سنتی متکی بر پلیس، مجازات و اقدامات سخت‌افزاری امنیتی، در کنترل بزهکاری کارآمد نبوده و بدون رفع زمینه‌های محیطی ایجاد فرصت ارتکاب جرم، نتیجه‌ای پایدار حاصل نمی‌شود. این پژوهش با هدف بررسی نقش شهرداری‌ها در پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی و مدیریت کالبدی شهر انجام شده و تلاش می‌کند تا ضمن تحلیل نظریه‌های جرم‌شناسی محیطی، ظرفیت‌های معماری، شهرسازی و طراحی فضاهای عمومی را در کاهش فرصت‌های مجرمانه تبیین کند. روش تحقیق به‌صورت توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر گردآوری کتابخانه‌ای منابع داخلی و خارجی بوده و داده‌ها از طریق فیش‌برداری نظام‌مند، تحلیل مفهومی و ترکیب نظریات استخراج شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که محیط فیزیکی، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری یا مهار رفتارهای مجرمانه دارد و عناصری چون روشنایی، نظارت طبیعی، تعریف قلمرو، کنترل ورودی‌ها، و طراحی دفاع‌پذیر فضا می‌توانند هزینه ارتکاب جرم را افزایش داده و ریسک دستگیری را بالا ببرند. همچنین مشخص شد که فضاهای غیرقابل دفاع — مانند پارکینگ‌های رهاسده، پارک‌های فاقد نظارت، کوچه‌های پیچ‌درپیچ و بناهای فاقد شفافیت بصری — بستر شکل‌گیری رفتارهای فرصت‌مدار هستند. بر این اساس، شهرداری‌ها با بهره‌گیری از ابزارهای قانونی، مقررات ساخت‌وساز، نظارت بر نمای شهری، طراحی معابر، مدیریت فضاهای عمومی، و الزام مالکان به رعایت اصول CPTED می‌توانند نقش مؤثری در کاهش جرم ایفا کنند. نتیجه‌گیری نشان می‌دهد که پیشگیری محیطی از جرم نه‌تنها مکمل ابزارهای عدالت کیفری است، بلکه یکی از مؤثرترین و کم‌هزینه‌ترین راهبردها برای کنترل بزهکاری شهری محسوب می‌شود؛ به‌ویژه زمانی که شهرداری‌ها با برنامه‌ریزی هوشمندانه، طراحی دقیق و اعمال استانداردهای معماری و شهرسازی، محیط شهری را به فضایی نظارت‌پذیر، ایمن و کاهش‌دهنده فرصت‌های مجرمانه تبدیل کنند.

کلمات کلیدی: جرم، پیشگیری، طراحی محیطی، شهرداری، فضاهای قابل دفاع

۱. مقدمه

امروزه یکی از پیچیده ترین مسائل در اکثر کشورها نرخ بالای جرم و افزایش ناهنجاری های اجتماعی در آن هاست. بروز انواع جرم و ناهنجاری ها، منجر به ایجاد حس ناامنی و تحمیل مشکلات مالی بر دوش جامعه، دولت و تشکیلات قضایی کشور می شود. این مسأله لزوم اعمال سیاست پیشگیری از جرم را بیش از پیش ضروری می سازد. امروزه جرم و ترس ناشی از جرم به عنوان یک نگرانی فراگیر در تمام جوامع تبدیل شده است. از طرف دیگر نیز سیاست های دستگاه عدالت کیفری در مبارزه با جرم با شکست رو به رو شده است. همچنین توجه به ارتباط بین محیط های مسکونی، پارک ها، پارکینگها و پیاده روها و دیگر ساختار شهر و افزایش ایمنی آن از طریق بهبود در طراحی محیط، مقوله ای است که در بسیاری از کشورها توجه لازم به آن نشده است. در واقع زمانی که بحث از استانداردهای شهرسازی و معماری می شود، معماران و شهرسازان به دنبال راه حل های فنی و مصالح لازم در بالا بردن استحکام فیزیکی آن می گردند و یا حداکثر جلوه های ظاهری و داخلی نماها مورد توجه قرار می گیرد. حال از آنجا که جرایم در بستر مکان رخ می دهند، طراحی مناسب محیط (ساختمان، شهرک ها، بوستان و پارکینگها و ...) که در قالب معماری و شهرسازی نمود می یابد، راه حل مناسبی در پیشگیری از وقوع جرم می باشد.

اصطلاح پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی و شهری برای اولین بار توسط جرم شناس آمریکایی به نام سیز ری جفری در کتابی با همین عنوان شکل گرفت و می توان آنرا این گونه تعریف کرد: «طراحی مناسب و کاربری مؤثر از فضا و محیط شناخته شده، که منجر به کاهش فرصت های مجرمانه، ترس از جرم و بهبود کیفیت زندگی می شود». این تئوری بر این اندیشه مبتنی است که رفتار انسانی در یک محیط شهری تحت تأثیر طراحی محیط شهری قرار دارد. این تئوری تأکید دارد که با بهینه سازی فرصت های نظارت، تعریف مشخص و واضح از قلمرو و ایجاد تصویری مثبت از محیط می توان مجرمان را از ارتکاب جرم دلسرد و منصرف نمود. این تئوری از شش جزء که عبارتند از؛ قلمرو گرایی، نظارت، بازرسی دسترسی، حفاظت، سخت کردن آماج جرم و فعالیت پشتیبانی تشکیل شده است. در این پایان نامه به دنبال شناخت و بررسی اهمیت این مقوله و ارائه راهکارهای عملی جهت استفاده از نقش شهرداری در پیشگیری از جرم از طریق طراحی بوستان، طراحی ساختمان، پیاده رو، محله ها، پارکینگها و ... به منظور پیشگیری از وقوع جرم می باشیم چرا که وقوع جرم علاوه بر به مخاطره انداختن امنیت عمومی و جریحه دار کردن افکار عمومی، به سرمایه های ملی و حیثیت بین المللی کشور نیز لطمه وارد می کند. بنابراین موضوع این تحقیق، موضوعی جدید بوده و مطالعات صورت گرفته در این خصوص جدید می باشد.

شهرداری

بلدیه را شهرداری گویند که هدف تاسیس آن حفظ منافع شهرها و بر آوردن نیازهای اهالی شهرنشین است.^۱ تحولات اجتماعی، تغییرات اجتماعی و پدیده های ناشی از پیشرفت تکنولوژی عصر جدید مسائل و مشکلات در زندگی شهری و اداره امور شهر ایجاد کرده که شهر نشینان و مسئولان اداره شهرها را ناچار نموده که بیشتر وقت و فکر خود را جهت چاره جوئی وحل و فصل مسائل شهر و شهر نشینی صرف نمایند. همانطوریکه قبلاً اشاره شد تمرکز مراکز سیاسی - اجتماعی - اداری و اقتصادی در شهرها تبادلات تجاری و افکار و اندیشه ها بین مردم شهر و روستا نشینان نیز موجب مزید علت گردیده تا مؤسساتی جهت پیگیری مسائل شهری

۱- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر؛ (۱۳۸۰)، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، ص ۱۱۳.

وارائه خدمات عمومی شهرها در نظر گرفته شوند که این مؤسسات همان شهرداریها میباشد که هم اکنون بیش از ۸۰ سال از فعالیت شهرداریها در ایران می گذرد.

مفهوم پیشگیری محیطی

مفهوم بنیادی برنامه پیشگیری از جرم از گذر طراحی محیطی بر این اساس استوار بود که بافت فیزیکی محیط را می توان به گونه ای شکل داد که سبب کاهش وقوع جرم یا ترس از وقوع جرم و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی گردد. چنین آثار رفتاری بر کاستن از تمایل به انجام اعمال مجرمانه در محیط پایه گذاری شده است، بر مبنای رابطه میان محیط و رفتار انسانی تعریف می شود و دربرگیرنده چندین جنبه است. واژه "محیط" شامل مردم و پیرامون اجتماعی و فیزیکی آنان است. به هر حال عملاً، محیط یک محل با کارکردهای شناخته شده محدود تعریف می شود. واژه "طرح" در برگیرنده مدیریت شکل فیزیکی و اجتماعی و امنیت حقوقی برای اثرگذاری مثبت بر رفتار انسان در مواجهه با محیط تعریف گردیده است. بنابراین برنامه پیشگیری از جرم از گذر طراحی محیطی به دنبال جلوگیری از وقوع جرایم خاصی و ترس از وقوع جرایم است. این هدف در یک محیط تعریف شده و از طریق ایجاد تغییر در رفتار انسانی نیست، بلکه تنها متغیرهای تاثیرگذار در رفتار انسان با محیط را می تواند تغییر دهد.^۲ پیشگیری از جرم از گذر طراحی محیطی با هدف بهره برداری مطلوب تر افراد از محیط زندگی به طراحی محیط می پردازد و در این باره به نیازهای فیزیکی، اجتماعی و روانی توجه می نماید. به کارگیری معمول و مورد انتظار از فضا و پیش بینی رفتار استفاده کنندگان و بزهکاران احتمالی نیز از جنبه های پیشگیری از جرم از گذر طراحی محیطی است. بنابراین در دیدگاه پیشگیری از جرم از گذر طراحی محیطی، طرح محیط هنگامی مطلوب است که با کاربری و هدف آن فضا همخوان باشد و تا حدی از وقوع جرم پیشگیری نماید و با پیشگیری از جرم مانع استفاده نا مطلوب از محیط گردد.

پیشگیری از جرم از گذر طراحی محیطی نه تنها بر طراحی فیزیکی و شهری یک مکان توجه نماید، بلکه با تکیه بر علم رفتارشناسی و اجتماعی و سازماندهی اجتماع سعی در پیشگیری از جرم نیز دارد. تاکید بر استفاده از طراحی از دیرباز و به صورت سنتی در پیشگیری از جرم مؤثر بوده است. مانند جلوگیری از دسترسی مجرم با استفاده از موانع فیزیکی البته سخت نمودن دسترسی به هدف اغلب به دشواری از استفاده از مکان نیز منجر گردد و لذت بردن از آن محل را دشوار می سازد. به علاوه دیدگاه سنتی در این زمینه بر کنترل و مراقبت نیز بسیار تأکید می ورزد. واژه طبیعی در اینجا به معنی مراقبت بیشتر و دشواری در دسترسی به یک مکان به کار رفته است. می توان به صورت معمول و طبیعی با سخت تر کردن دسترسی به یک محیط و مراقبت بیشتر، استفاده از آن محیط را با دشواری روبه رو ساخت. با وجود این، پیشگیری از جرم از گذر طراحی محیطی از رویکرد دشوار ساختن هدف هم برای آزمایش اثربخشی این روش ها در مقایسه راهبردهای طبیعی و هم محدود ساختن استفاده طبیعی از این مکان ها سود می جوید. به عنوان مثال یک برنامه طراحی بهینه سازی روشنایی معابر باید به گونه ای باشد که مشخص شود این عمل چه رفتارهایی را تشویق و چه رفتارهایی را تضعیف می نماید و استفاده تمام افراد از این روشنایی را نیز در محاسبه خود دخیل نماید.^۳

هر برنامه ریزی مربوط به روشنایی معابر باید از ای جنبه بررسی گردد. این مطلب منعکس کننده جامعیت پیشگیری از جرم از گذر طراحی محیطی در طراحی مناسب و در استفاده مؤثر از محیط است. علاوه بر آن، مفهوم طراحی مناسب این است که از میان برنامه ریزی های موجود برنامه ای برگزیده شده است که نتایج مورد نظر را به بار خواهد آورد. مشاهده شده است که برنامه ریزی روشنایی

۲- عامری سیاهویی، دکتر حمید رضا؛ (۱۳۷۸)، نقش معماری در پیشگیری از جرم، تهران، مجد، ص ۶۳.

۳- همان، ص ۶۴.

معابر به تنهایی در مقابله با جرم غیر مؤثر است، چون حمایت کافی از شهروندان به عمل نمی‌آورد و پلیس را نیز در اجرای مراقبت بیشتر و پاسخ دهی به درخواست شهروندان یاری نمی‌نماید. پیشگیری از جرم از گذر طراحی محیطی به دنبال طراحی همه جانبه برای حمایت از شهروندان و جامعه و توسعه امنیت حقوقی و مراقبت دقیق تر و استفاده بهینه از محیط است.

نظریات جرم شناسی

نظریه زیست بوم شناسی جرم

بیشترین بحث و گفتگو در زمینه تأثیر معماری و شهرسازی در جرم، در یک مکتب جامعه شناسی شهری در امریکا انجام گرفت. طرفداران چنین مکتبی، نام مکتب خود را "مکتب شیکاگو" نهادند. علت این نامگذاری این بود که "رابرت پارک" روزنامه نگاری که نخستین بار کوشید تا رابطه بین اجتماعات انسانی را دریابد، اقدام به مطالعه شهر شیکاگو کرد. پارک در سال ۱۹۵۲ نظریه زیست بوم انسانی خود را بر اساس دو مفهوم عمده بیان نمود. بوم شناسی جنایی یا اکولوژی، تأثیر زیستگاه فردی و محیط زیست فرد در رفتار مجرمانه، فرد را مورد مطالعه قرار می‌دهد. زیستگاه مفهوم کلی است که شامل اوضاع و احوال و شرایط خاص محل زندگی فرد می‌شود.^۴ بنابراین بوم شناسی جنایی، بررسی برهمکنش بین فرد و شرایط محیط زیست او یا تأثیر شرایط محیط زیست او در رفتار وی را بررسی می‌کند. با این مقدمه باید گفت که بوم شناسی جنایی تا اندازه زیادی ریشه در همان تفکر کتله دارد. شاو و مکی بعد از حدود ۷۰ سال که از مطالعات کتله و گری می‌گذشت، دوباره به مسایل اکولوژی و بوم شناسی پرداختند. این دو با مقایسه میان بوم شناسی (محیط زیست) انسا نها و گیاهان نشان دادند، همان گونه که اگر گیاهان از نظر خاک مساعد و فضای کافی در مضیقه باشند، رشد نکرده و پژمرده می‌شوند و در هر حال زندگی غیرعادی را خواهند داشت، نامساعد بودن شرایط محیط زیست در قلمرو انسا نها و بوم شناسی انسا نها هم ایجاد اختلال می‌کند.^۵ رابرت پارک، بنیان گذار این مکتب، اصولاً تحت تأثیر اندیشه داروین، زیمل و کنش متقابل نمادی قرار داشته است و کوشش کرده تا تشابهی میان محیط طبیعی و محیط اجتماعی برقرار سازد و در واقع او بنیان گذار جامعه شناسی شهری بود. در حقیقت تفکرات مکتب شیکاگو به دو موضوع اصلی توجه دارد: یکی، توزیع فعالیت‌ها در فضا و زمان در محیط شهری چگونه مانع دستیابی به اهداف جمعی می‌شوند و دیگری، این نحوه توزیع چگونه بر وجه اجتماعی افرادی که در معرض آن قرار دارند، تأثیر می‌گذارد.^۶

رویکرد مقابله با جرم در طراحی شهری

افزایش میزان جرم و جنایت در سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ دولتمردان و سیاستمداران را برآن داشت تا در جستجوی راه های عملی و فوری برای حل این مشکل برآیند. در این میان راه حل هایی توسط طراحان شهری و مهندسی معماری مطرح گردید که بر مبنای تاثیر محیط فیزیکی بر کنترل جرم و جنایت استوار بود. همزمان با افزایش به کارگیری چنین رویکردهایی در محیط های شهری، سایر علوم وابسته نظیر جامعه شناسی و جرم شناسی نیز با تحقیقات بیشتر در این زمینه، این تفکر را به عنوان یک استراتژی

^۴- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ (۱۳۷۸)، جامعه شناسی جنایی، جزوه درسی دوره کارشناسی حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تدوین: محمدی، موسی زاده و عباسی، ص ۱۵.

^۵- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ (۱۳۷۴)، جامعه شناسی جنایی، جزوه درسی دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشکده علوم سیاسی تهران، تدوین: رزیتا دارویی، ص ۵۱.

^۶- ممتاز، فرید؛ (۱۳۸۵)، انحرافات اجتماعی: نظریه ها و دیدگاه ها، شرکت سهامی انتشار، تهران، ص ۸۱.

جلوگیری از جرایم شهری پذیرفته و مورد تایید قرار دادند. تحقیقات و پروژه‌های صورت گرفته در این زمینه اگرچه در چاقوب‌های نظری و روش‌های اجرایی با یکدیگر متفاوت بودند ولی همگی در چند اصل اشتراک داشتند:

۱. محیط فیزیکی قادر است رفتار شهروندان را در خصوص مشاهده و دستگیری مجرمین تغییر بدهد.
 ۲. محیط فیزیکی قادر است مانع ایجاد جرم شود و یا ارتکاب جرم را با دشواری روبه رو سازد.
 ۳. محیط فیزیکی قادر خواهد بود با از بین بردن گوشه‌های پنهان و مکان‌های مخفی یا راه‌های مناسب فرار، مانع رفتارهای مجرمانه و فرار مجرمان گردیده و از ارتکاب جرم جلوگیری نماید.
- در واقع محیط فیزیکی قادر است از طریق افزایش کنترل، مراقبت و نظارت فضاهای شهری و مداخله شهروندان در استفاده از فضاها، باعث کاهش و یا پیشگیری از جرایم گردد.^۷ به طور کل رویکردهایی را که تاکنون در خصوص کاهش جرم و ترس از جرم صورت گرفته است را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد.

رویکرد اول، رویکرد غیر مکانی یا رویکرد اجتماعی است که بر مبنای تغییر و کاهش انگیزش‌های شخصی برای ارتکاب جرم از طریق آموزش و راهنمایی‌های اخلاقی یا توسعه‌های اجتماعی/اقتصادی شکل می‌گیرد. این رویکرد بستر اجتماعی و عوامل تأثیرگذار بر رفتار مجرمین را بررسی کرده و به جای جرم، مجرمین را هدف قرار می‌دهد. رویکرد دوم، رویکرد مکانی یا موضعی که بر اساس مشکل ساختن ارتکاب جرم از طریق راهکارهای تکنیکی پایه‌گذاری شده است و بر کاهش فرصت ارتکاب جرم تمرکز دارد و این کار را از طریق مراقبت بهتر و افزایش نظارت انجام می‌دهد. نظریه‌های مکانی به تشریح و تبیین این امر می‌پردازند که چرا رویدادهای جرم در مکان‌های ویژه‌ای اتفاق می‌افتند. آنها به جرایمی می‌پردازند که در پایین‌ترین سطوح تحلیل مکان‌های ویژه-رخ می‌دهند.^۸ رویکرد سوم، نیز بر مبنای میزان مجازات قانونی مجرمین وجود دارد. از جمله ویژگی‌های این رویکرد (که نقطه ضعف آن محسوب می‌شود) کم توجهی به امکان پیشگیری جرایم نسبت به ارتکاب جرایم است. به خصوص در مورد جرایمی مانند دزدی، سرقت اتومبیل و تخریب.

تأثیر طراحی محیط بر رفتار

از اساسی‌ترین نیازهای زیستی انسان بعد از خوراک و پوشاک زندگی در محیط اجتماعی است. مسکن که بعد فیزیکی و سکونتی این محیط اجتماعی است، به عنوان جایگاه اصلی خانواده، برای بقای جامعه و انسان از اهمیت بسزایی برخوردار است. وقتی مجموعه‌ای مسکونی ساخته می‌شود، در واقع کانون اجتماعی شکل می‌گیرد. این کانون اجتماعی برای حفظ ارزش‌های خود به اصول منسجم و مشخصی نیاز دارد. مسکن به عنوان یک نیاز انسان و پدیده اجتماعی به سهم خود دارای ارتباطات متقابل با رفتار و فرهنگ انسانی است. در بررسی مسئله مسکن علاوه بر بررسی ابعاد مربوط به ساخت و ساز و محاسبات فنی و به کارگیری مصالح مناسب و مقاوم درامر ساختمان سازی و شهرسازی، ابعاد رفتاری و اجتماعی این پدیده اجتماعی نیز مطرح می‌شود.^۹

^۷ - گلکار، کورش؛ (۱۳۷۸)، کندوکاوی در تعریف طراحی شهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ص ۸۰.

^۸ - قالیباف، محمد باقر و انصاری زاده، فسلمان و پرهیز، فریاد؛ بررسی و تحلیل نقش کانون‌های جرم خیز در وقوع جرایم شهری سال یازدهم، شماره ۱۰۰، ص ۲۰.

^۹ - نقره کار، عبدالحمید؛ (۱۳۷۵)، حفظ ارزش‌های فرهنگی در معماری و شهرسازی، فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۸۹.

همانگونه که می دانیم، مقوله ساخت و ساز شهری، یک مقوله اجتماعی و فرهنگی است که ریشه در فرهنگ گذشته هر سرزمین داشته است و نشانگر نحوه تفکر و نوع زیست یک ملت است.^{۱۰} به عبارت دیگر معماری هر جامعه در هر دوره از تاریخ، تبلور ویژگی های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... حاکم بر آن جامعه و متشکل از تفکرات و سنن آنان است. از طرفی نیز، معماری و نحوه ارتباط عناصر معماری، بر رفتار انسان ها تأثیر می گذارد. به دیگر سخن، گرچه بناها و فضاها ساخته دست بشر است، ولی خود نیز بر رفتار اجتماعی و فردی آنان اثر می گذارد. امروزه معماران به این موضوع پی برده اند که فضای فیزیکی دقیقاً همانند قواعد حقوقی می تواند موجب تقویت هنجارها شود. مطالعه معماری نشان می دهد که قواعد حقوقی تنها ابزار بیان اصول و ارزش های جامعه نیستند، بلکه محیط فیزیکی می تواند بدون واسطه با هر کسی که آن را مشاهده کند با زبان بسته سخن بگوید.

قدرت معماری در بیان هنجارها نباید دست کم گرفته شود. حقوق در مقام شکل دادن به هنجارهای اجتماعی ابزار کاملی نبوده و در بسیاری از موارد ابزار، ناکارآمد است. حقوق برای موفقیت خود باید به مردم شناسانده شود. در واقع مردم باید حقوق را بدانند و به آن پایبند گردند. اما برخلاف آن، معماری جزئی فراگیر از زندگی ماست. معماری می تواند به طور ناخودآگاه در زندگی مردم تأثیر بگذارد، بنابراین نیاز به معرفی و شناسانده شدن به مردم ندارد. مهندسان معماری می توانند فضاهایی ایجاد کنند که مردم را به هم نزدیک یا از هم دور کنند. همچنین می توانند احساس امنیت و راحتی را تقویت کرده، یا اینکه برشلوغی و روانپریشی افراد اجتماع بیافزایند. تحقیقات روانشناختی، اثر طرح و نقشه بر رفتار و دیدگاه ها را نشان می دهد.^{۱۱}

در حوزه روانشناسی محیطی، در مورد اینکه چگونه معماری می تواند تمایلات انسان را شکل دهد، بحث های زیادی صورت گرفته است. در این حوزه ویژگی هایی که به صورت آگاهانه یا ناخودآگاه تأثیر می گذارند، مورد توجه قرار می گیرد. البته در مورد پذیرش این یافته ها باید محتاط بود، زیرا معماری تنها یکی از چند عاملی است که بر رفتار افراد تأثیر می گذارد. علاوه بر تعامل اجتماعی تأثیرگذار، معماری بر رفتار و دیدگاه ها نیز تأثیر می گذارد. برای مثال احساس شلوغ بودن باعث چرخشگری در فرد می شود. معماران می توانند احساس شلوغی را با اضافه کردن پنجره ها برای نور طبیعی بیشتر استفاده از اتاق های چهارگوش و استفاده از رنگ های روشن برای رنگ آمیزی کاهش دهند. زمانی که افراد فضای بیشتری احساس کنند، کمتر پرخاشگری می کنند. امروزه ثابت شده است که استفاده بهینه از عواملی مانند طبیعت، فضای سبز و رنگ مناسب، رفتار پرخاشگرانه را کاهش می دهد.

روانشناسان پی برده اند که رنگ های مختلف بر رفتار و هیجانات تأثیر متفاوت می گذارد. به عنوان مثال رنگ قرمز موجب میزان بالاتری از تهییج و انگیزش نسبت به رنگ های خنکی مثل آبی و سبز می شود. مطالعه دیگری نشان می دهد که افراد در راهروهایی که به رنگ قرمز یا نارنجی هستند نسبت به افرادی که در راهروهایی با رنگ آمیزی خنک قرار می گیرند، سریعتر گام برمی دارند. مطالعه ای در زمینه تأثیر رنگ بر رفتار نشان داده است که زندانی هایی که در زندان های صورتی رنگ محبوس هستند، نسبت به زندان های دیگر کمتر دچار اختشاش می شوند. در شش دهه ای که از عمر روانشناسی محیط می گذرد، پژوهشگران به نتایج زیادی درباره طراحی محیط و تأثیر آن بر رفتار انسان دست یافته اند. انسان محصول محیط، بیولوژی و تعامل این دو با هم است. عوامل فیزیکی گوناگون از قبیل سروصدا، آب و هوا و فضاهای محصور شده، به طور مداوم بر انسان تأثیر می گذارند. بنابراین می توان محیط را یکی از عواملی دانست که نقش بسیار تعیین کننده ای در شکل گیری رفتار انسان دارد. محیط همواره بر رفتار انسان تأثیر داشته است و از آن برای تأثیر گذاری استفاده شده است.^{۱۲} همانطور که می دانیم حوزه محیط و رفتار به صورت عام و رفتارهای مجرمانه

^{۱۰} - مزینی، منوچهر؛ (۱۳۷۵)، فرهنگ و زیبایی شناسی شهری، فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۸۹.

^{۱۱} - see: normoyle, janice bastlin, and jeann m. foley. (۱۹۸۸). The defensible space model of fear and elderly public housing residents, environment and behavior, vol. ۲۰(۱): ۵۰-۴۷.

^{۱۲} - قورچی بیگی، مجید؛ (۱۳۸۶)، راهبردهای کاربردی Cpted برای پیشگیری از جرم در مناطق مسکونی، مجله فقه و حقوق، سال چهارم، شماره ۱۵، ص ۱۴۸.

به صورت خاص، برآیند چند رشته است. از این رشته‌ها می‌توان به رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی و طبیعی مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی، جغرافیا، زیست‌شناسی، مردم‌شناسی، جرم‌شناسی و نیز متخصصان رشته‌های کاربردی یا عملی مانند معماری، برنامه‌ریزی شهری و اجتماعی، طراحی داخلی، طراحی فضاهای اداری و طراحی منظره اشاره کرد. از آنجا که انسان بیش از هر موجود دیگری محیط خود را تغییر می‌دهد و می‌تواند با استفاده از اصول طراحی همچون زیبایی‌شناسی، مهندسی و هماهنگ شدن با نیازهای فرهنگی، محیط خود را راحت‌تر و متناسب‌تر بسازد.

تحلیل فرصت‌های جرم

این روش نخستین بار توسط جفری در سال ۱۹۷۱ و سپس بوسیل هریس در سال ۱۹۷۳ بکارگرفته شد. اساس این شیوه بر تحلیل عوامل مستقیم و شرایط مکانی مؤثر در جرایم شهری نهاده شده است. به عبارت دیگر، ویژگی‌هایی که برای یک مجرم بالقوه، مناسب و مفید برای ارتکاب جرم است مورد تحلیل قرار می‌گیرد. وی بر خلاف جامعه‌شناسانی که توجه زیادی بر عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم داشته‌اند و به عوامل محیطی توجهی نکرده‌اند، بر فرصت‌های که محیط در اختیار مجرمان قرار می‌دهد، تأکید می‌شود.^{۱۳} به نظر می‌رسد یک مجرم در برخورد با مکان همیشه با این پرسش‌ها روبرو است: اینجا چه امکانات و تسهیلاتی برای ارتکاب جرم دارد؟ در این مکان چه اهداف مجرمانه‌ای را می‌توان دنبال نمود؟ چگونه می‌توان پس از ارتکاب جرم خیلی سریع از صحنه جرم فرار کرد؟ با استفاده از روش فرصت‌های جرم و بررسی شرایط مکانی و الگوهای فضایی که موجب افزایش احتمال ارتکاب جرم در سطح شهری می‌شوند، می‌توان مکان‌های مستعد وقوع جرم را مشخص نمود. نظریه "فعالیت روزمره"، "انتخاب منطقی"، "جرم‌شناسی محیطی" بر پایه روش تحلیل فرصت‌های جرم شکل گرفته و توسعه یافته‌اند. شایان ذکر است امروزه در بررسی‌های جرایم شهری از هر دو روش تحلیل همبستگی و تحلیل فرصت‌های جرم استفاده شده و دو ابزار مهم و اساسی یعنی نقشه‌های جرم و نرم افزارهای سیستم اطلاعات جغرافیایی به کارگرفته می‌شود. به نظر می‌آید بدون این ابزارها بررسی‌های مکانی جرایم شهری ناقص و در مواردی غیرممکن است. از آنجا که در بررسی‌های جرم از نقشه‌های جرم و همچنین از نرم افزارهای سیستم اطلاعات جغرافیایی استفاده می‌شود، به طور مختصر تاریخچه و کاربرد این دو ابزار در بررسی‌های جرایم شهری بیان می‌شود.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه بر مبنای رویکردی توصیفی-تحلیلی تنظیم شده است. این انتخاب از آن جهت صورت گرفته است که موضوع پژوهش - یعنی بررسی نقش شهرداری‌ها در پیشگیری از جرم با تأکید بر مؤلفه‌های طراحی محیطی و کالبدی شهر - نیازمند فهم عمیق مفاهیم نظری، استخراج روابط میان طراحی شهری و رفتار مجرمانه، و تحلیل نظام‌مند مطالعات پیشین است. در چنین موضوعی، هدف پژوهش تولید داده میدانی یا برآوردهای آماری نیست؛ بلکه هدف، فهم نظری مسئله، کشف پیوندهای میان ساختار فیزیکی شهر و فرصت‌های مجرمانه، تحلیل یافته‌های جرم‌شناسی محیطی و تبدیل آن‌ها به گزاره‌های قابل استفاده برای شهرداری‌ها است. در این چارچوب، مطالعه حاضر ابتدا به گردآوری گسترده داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای پرداخته است. بخش قابل توجهی از این منابع شامل کتاب‌های تخصصی حوزه جرم‌شناسی، طراحی شهری، برنامه‌ریزی فضاهای عمومی، تحلیل‌های نظری CPTED، مطالعات دفاع‌پذیری فضا (Defensible Space)، نظریات فرصت‌های جرم، و همچنین پایان‌نامه‌ها و مقالات داخلی و خارجی مربوط به نقش شهرداری و مدیریت شهری در کاهش جرم است. استفاده از منابع انگلیسی و فارسی برای ایجاد یک نظام تحلیلی

^{۱۳}- سرمد، محمدرضا؛ هندیانی، عبدالله و کلانتری، محسن؛ زمستان (۱۳۸۹)، نقش ابرکانون‌های جرم خیز در شکل‌گیری الگوهای فضایی بزه کاری مورد مطالعه ایستگاه بازرسی علی آباد شهر بیرجند، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی / سال پنجم، شماره چهارم، ص ۵۷۱.

جامع ضروری بود، زیرا بخشی از نظریات اصلی حوزه پیشگیری محیطی (مانند نظریه نیومن، جفری، کلارک و فلیسن) عمدتاً در منابع بین‌المللی مطرح شده‌اند و بخش مربوط به کاربردهای مدیریتی و اجرایی آن‌ها بیشتر در متون فارسی حوزه مدیریت شهری دیده می‌شود.

فرایند گردآوری اطلاعات تنها محدود به نقل داده‌ها نبود، بلکه با فیش‌برداری مفصل، دسته‌بندی منظم مفاهیم و تجزیه و تحلیل تدریجی آن‌ها همراه بود. هر فیش به گونه‌ای استخراج شد که علاوه بر انتقال محتوای مرجع، ارتباط آن با مسئله پژوهش نیز مشخص شود. سپس این فیش‌ها در قالب شبکه‌ای مفهومی مرتب شد تا ارتباط میان عناصر کلیدی پژوهش — مانند طراحی محیطی، فرصت‌های مجرمانه، نقش شهرداری، مدیریت فضاهای عمومی و الگوهای رفتاری — قابل درک و قابل ترکیب شود. این مرحله درواقع زیرساخت نظری پژوهش را شکل داد. از آنجایی که ماهیت پژوهش کیفی است، روش تحلیل داده‌ها نیز کیفی و مبتنی بر استنباط مفهومی، تحلیل محتوای نظری و تفسیر نظام‌مند روابط میان یافته‌ها بوده است. در این تحلیل، مفاهیم استخراج‌شده از منابع در مقابل یکدیگر قرار داده شدند تا شباهت‌ها و تمایزهای نظری مشخص شود. سپس این مفاهیم در قالب الگوهای تحلیلی سازمان‌دهی شدند که نشان دهد چگونه طراحی شهری می‌تواند فرصت‌های جرم را کاهش دهد، و چگونه شهرداری‌ها با ابزارهای قانونی و اجرایی خود می‌توانند این الگوها را به اقدامات عملی تبدیل کنند.

در بخش تحلیل نهایی، پژوهش با ترکیب یافته‌های نظری، مصادیق شهری، و استنتاج‌های برگرفته از متون علمی، به تدوین گزاره‌هایی دست یافته است که در حکم پاسخ علمی به سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق هستند. به عبارت دیگر، روش تحقیق بر پایه فرآیندی شکل گرفته است که در آن مطالعه منابع → استخراج مفاهیم → تحلیل ارتباطات → ترکیب یافته‌ها → استنتاج نهایی به صورت زنجیره‌وار انجام شده است. این زنجیره اجازه می‌دهد که پژوهش، بدون ورود به مطالعات میدانی، به تصویری دقیق از نقش محیط و مدیریت شهری در شکل‌گیری یا کاهش جرم برسد. با توجه به اینکه مسئله مورد مطالعه به طور مستقیم با طراحی شهری و فضاهای عمومی و همچنین تشخیص مکان‌های جرم‌خیز مرتبط است، در برخی بخش‌ها از تحلیل نمونه‌های واقعی و موردی (Case Analysis) نیز استفاده شده است. این تحلیل‌ها شامل مثال‌هایی از پارک‌ها، پارکینگ‌ها، معابر، فضاهای رهاشده، پل‌های عابرپاده و محلات مسکونی است که در مطالعات پیشین به عنوان فضاهای آسیب‌پذیر یا ایمن معرفی شده‌اند. این نمونه‌ها به پژوهش امکان می‌دهند که رابطه میان نظریه و کاربرد را نشان دهد و قابلیت انتقال یافته‌های نظری به سیستم مدیریت شهری را تقویت کند. به طور کلی، روش تحقیق این مقاله برخلاف مطالعات آماری که به دنبال اندازه‌گیری‌های کمی‌اند، بر پایه تعمیق شناخت، تبیین ارتباطات مفهومی، شناسایی عوامل جرم‌زا، و تبدیل این عوامل به الگوهای قابل استفاده توسط شهرداری‌ها بنا شده است. این روش به دلیل ماهیت نظری پژوهش، بهترین شیوه برای تبیین نقش شهرداری در پیشگیری از جرم و تحلیل اثر طراحی محیطی بر ارتکاب بزه است.

نتیجه‌گیری

امروزه با گسترش شهرها و افزایش جمعیت، مشکلات زیادی گریبان گیر شهروندان شده است. یکی از این مشکلات، افزایش میزان جرایم است. مبارزه با جرم و کجروی‌های اجتماعی منوط به شناخت عوامل جرم‌زا است. بنابراین با از بین بردن این عوامل یا کاهش اثرات آن می‌توان از بروز جرایم جلوگیری کرد یا حداقل از میزان آن در جامعه کاست. تجربه گذشته و بررسی‌های جهانی نشان می‌دهد که صرف تعقیب کیفری و مجازات مجرمین برای مبارزه با تبهکاری اجتماعی کافی نبوده و تازمانیکه عوامل جرم‌زا در جامعه موجود باشد، مبارزه با مجرم به عنوان معلول فایده‌ای ندارد. وقوع جرم به علاوه بر بزه‌کار و بزه دیده، به مکان وقوع جرم نیز نیاز دارد. جرایم، در مکان رخ می‌دهند. از این رو این اندیشه به ذهن خطور می‌کند که اتخاذ تدابیر پیشگیری از جرم درخصوص محیط نیز، ضروری می‌باشد. همان‌طور که می‌دانیم، مجرمین معمولاً در انتخاب هدف مجرمانه خود، تصمیمی منطقی و عاقلانه گرفته و برای این

کارنوع جرم، زمان، جاذبه ها و امکانات مکان را برای ارتکاب عمل مجرمانه در نظر می گیرند. از آنجا که عوامل محیطی باعث ایجاد انگیزه، رغبت، کشش و قصد مجرمانه در فرد می شوند، طراحی صحیح معماری جهت پیشگیری از جرم، یکی از راه حل های ضروری در امر پیشگیری از جرم می باشد.

امروزه در ساخت شهرها باید تعامل انسان و محیط را در نظر گرفت. شهر در عین حال که ساخته روان انسان است، در جسم و جان او نیز تأثیر می گذارد؛ و پیوند اجتماعی و سلامت روح و روان او را تشکیل می دهد. بررسی اماکن مختلف مسکونی نشان می دهد که هر مسکن، تأثیرات رفتاری خاصی را بر روی روان ساکنین خود دارد. همچنین بررسی اندیشمندان مختلف، این فرضیه را که میان محیط جغرافیایی و رفتارهای انسانی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد، به اثبات می رساند. این تأثیر را در اماکن مختلف مسکونی می توان مشاهده کرد. بنابراین باید این نکته را در نظر گرفت که در ساخت اماکن مختلف مسکونی، می بایست به این ویژگی ها توجه کرد. ارتکاب اعمال مجرمانه را می توان نوع خاصی از رفتار دانست. بنابراین با استفاده از اصول طراحی فیزیکی اعم از معماری و شهرسازی مبتنی بر اندیشه های جرم شناسی می توان از وقوع جرایم، پیشگیری نمود. جهت استفاده از اصول صحیح معماری برای پیشگیری از جرم، این فرضیه مطرح گردید که یکی از عوامل وقوع جرم، عوامل مکانی می باشد. بنابراین، جرایم بیشتر در اماکنی اتفاق می افتند که برای ارتکاب جرم مناسب تر باشد. بر اساس این فرضیه، اماکنی را که در مقابل ارتکاب جرم آسیب پذیر ترند، فضاهای غیر قابل دفاع نامیده شد. این نامگذاری بر اساس مطالعات اسکار نیومن صورت گرفته است. مطالعه فضاهای غیر قابل دفاع، این موضوع را که می توان اماکن مختلف مسکونی، تجاری و... را با استفاده از اصول قابل دفاع نمودن، بهبود بخشید به اثبات می رساند.

سؤالی که در اینجا می بایست به آن پاسخ داد، این است که آیا معماری می تواند بر روی تمامی جرایم و مجرمین تأثیر بگذارد؟ بررسی جرایم و تقسیم بندی آن به جرایم کینه توزانه و فرصت مدار نشان می دهد که معماری در خصوص برخی جرایم مؤثر است. با استفاده از معماری می توان فرصت ارتکاب جرم را در منطقه ای گرفت. اما در خصوص جرایم کینه توزانه، معماری شاید بتواند مرتکب را از ارتکاب در مکان خاصی منصرف نماید، اما امکان انصراف وی به طور کامل با استفاده از معماری، ممکن نیست. تقسیم بندی جرایم ما را با بحث دیگری آشنا می کند و آن جابجایی جرم است. اگر مرتکب نتواند جرمی را در نقطه ای انجام دهد، این به منزله انصراف کامل وی از ارتکاب جرم نیست، بلکه چنانچه در مکان مناسبی قرار بگیرد، دست به ارتکاب عمل مجرمانه خواهد زد. معماری می تواند در مورد برخی از مرتکبین که جزء مجرمین اتفاقی قرار می گیرند، مؤثر باشد. این افراد در لحظه ای که شرایط و سوسه آور باشد و ریسک ناشی از ارتکاب نیز پایین باشد، دست به ارتکاب جرم می زنند. چنانچه معماری های خاص بتواند هزینه ارتکاب جرم را برای بزهکار بالا ببرد، اینگونه مرتکبین از ارتکاب جرم صرف نظر می کنند. فضاهای بدون دفاع، به صورت بالقوه، آمادگی وقوع یک ناهنجاری یا آسیب اجتماعی را در حریم خود دارند. اما این فضاها، چگونه به نیازها و خواسته های افرادی که خواهان به فرجام رساندن واقعه یا عملی ناهنجار هستند، پاسخ می گویند؟ پاسخ، گاه در فرم فضا و سازه، گاه در شرایط اجتماعی-تاریخی و گاه در شرایط مکانی خاص و... مستتر است. به بیانی دیگر، ساختارهای فیزیکی و فرم های مشابه که در سطح شهر توزیع شده اند، از شانس مساوی برای اتفاق افتادن عملی ناهنجار در آنها برخوردار نیستند. عوامل دیگری نیز باید در کنار فرم وجود داشته باشند تا فضایی که بالقوه پذیرای آسیب است، به فضایی آسیب پذیر تبدیل شود.

در خصوص فضاهای غیر قابل دفاع به این نتیجه رسیدیم که این فضاها دارای اصول صحیح معماری که آن را قابل دفاع می نماید، نمی باشند. در خصوص قابل دفاع نمودن فضاها، باید به این نکته توجه نمود که قفل زدن به درب و حصار کشی در اطراف محیط مسکونی مدنظر نمی باشد. این اقدامات در بسیاری از مواقع نه تنها کارآمد نبوده، بلکه می تواند منجر به ایجاد حس ترس از جرم گردد. زیان ناشی از وجود این حس، در بسیاری از مواقع، کمتر از وقوع جرم نیست. بنابراین باید در خصوص چگونگی ارتکاب جرم و امکاناتی که محیط برای ارتکاب فراهم می آورد، مطالعه کرد. با شناخت این امکانات و رفع نقاط ضعف طراحی، می توان از وقوع جرم پیشگیری نمود. در خصوص اصول صحیح معماری، باید توجه نمود که معماری باید بتواند با افزایش احتمال کشف و دستگیری، ریسک ناشی از ارتکاب

جرم را افزایش دهد. همچنین معماری باید بتواند با افزایش تلاش در ارتکاب جرم از طریق افزایش مدت زمان حصول نتیجه، نیاز به بکاربردن و همچنین امکانات بیشتر را برای دستیابی به هدف افزایش دهد. با این کار معماری می‌تواند منفعت حاصله از ارتکاب جرم را کاهش دهد. برای رسیدن به این نتیجه، چهار اصل عمده پیشنهاد شد که عبارت بودند از نظارت، کنترل ورودی‌ها، تقویت حس قلمرو، و محافظت از سیل‌های جرم.

نظارت به این معنا که افراد بتوانند ببینند و دیده شوند، از مهم‌ترین اصول در معماری بدون جرم می‌باشد. مراقبت و نظارت طبیعی با همه‌اهمیتی که دارد، نمی‌تواند به تنهایی موجب پیشگیری از وقوع جرم گردد. در بسیاری از موارد، عابرین و ناظرین ممکن است از مداخله در جرم و جلوگیری از وقوع آن سرباز زنند. معماری می‌تواند بر این اجتناب تأثیر گذارد. در مورد چگونگی این تأثیر، می‌توان سه احتمال را در نظر گرفت. اول اینکه تأثیری که دیدن جرم بر ناظر می‌گذارد، بسیار بیشتر از تأثیری است که در شنیدن صرف جرم می‌باشد. بنابراین تحریک بیشتری برای دخالت وجود دارد. نکته دوم این است که هرچه تعداد افرادی که در محل وجود دارند، بیشتر باشد، احساس خطر از جهت دخالت در ناظر کمتر ایجاد می‌شود. بنابراین افراد با فراغ‌بال بیشتری اقدام به مداخله می‌نمایند. سوم اینکه مداخله ناظری که احساس می‌کند عضوی از یک جامعه است، معمول‌تر و معماری می‌تواند از طریق به کارگیری کارکردهای کاهش انزوای اجتماعی، این احساس را در افراد تقویت کند. بنابراین رؤیت پذیری صرف نباید مد نظر معماران باشد، بلکه آنها باید به توسعه شرایطی بپردازند که تحت آن، احتمال اینکه افراد به عنوان مراقبین، مداخله و عمل کنند، افزایش یابد.

نقش دولت در معماری و شهرسازی نیز بسیار حائز اهمیت می‌باشد و با توجه به وضعیت اقتصادی، اشخاص در برخی موارد استطاعت مالی را برای جامه عمل پوشاندن به الزامات جرم شناسی ندارند. وانگهی در بسیاری از مواقع، از این الزامات آگاهی ندارند. در این خصوص دولت باید وارد عمل شده و بودجه مناسبی برای این امر اختصاص دهد. قسمتی از این بودجه را می‌توان در ایجاد فضاهای مکمل در سطح شهر به کاربرد. ایجاد این فضاها، به دلیل محدودیت فضاهای مسکونی، بخصوص در عصر حاضر، ضروری می‌باشد. وضع قوانین در خصوص معماری صحیح برای معماران می‌تواند برای طراحی صحیح مؤثر باشد. شهرداری‌ها می‌توانند ارائه پایان کار را منوط به رعایت نکات فنی وضعی جهت پیشگیری از وقوع جرم، در آن ساختمان یا مجتمع مسکونی یا اداری نمایند. در خصوص این قوانین به عنوان مثال می‌توان به استفاده بهینه از عوامل طراحی از قبیل رنگ، زیبایی محیطی و مبلمان شهری در سطح معماری مسکونی و شهرسازی، اشاره کرد. قوانین ساختار شهری می‌بایست در راستای علاقه مند کردن مردم به فضاهای عمومی شهری و ایجاد حس مالیت در آنها باشد. معماری و شهرسازی، راهکارهای متعددی برای ایجاد این حس در افراد دارد.

شرکت‌های بیمه نیز در وضع مقررات و تعرفه‌های خود می‌بایست این اصول را مد نظر قرار دهند. با توجه به اینکه عدم رعایت اصول طراحی عاری از جرم، امکان وقوع جرم را افزایش می‌دهد، تعرفه‌های بیمه باید متناسب با میزان رعایت این اصول باشد. در خصوص اقدامات قضایی، می‌توان به بحث مسئولین مدنی اشاره داشت. دادگاه‌ها می‌توانند ورود خسارت را بر اساس رعایت اصول معماری صحیح در نظر بگیرند. به این ترتیب درباره‌کردن مسئولیت در هنگام وقوع جرم، دراماتی که رعایت نکات ایمنی را نکرده‌اند، باید قسمتی از مسئولیت را متوجه طراح یا سازنده و یا صاحبخانه کرد.

در این پژوهش به نتایج کلی زیر دست می‌یابیم.

- ۱- ارتباط بین شهرداری و پیشگیری از جرم ارتباط متقابل و مستقیم بوده، یعنی هر قدر در بکارگیری طراحی شهری، معماری، ساخت و ساز و ابزار لازم را برای اطاله زمان و ترس از عمل مجرمانه بیشتر بکار گیرد بزهکاری کمتر اتفاق می‌افتد. برای مثال شهرداری به هیچ وجه اجازه ندهد که نمای ساختمان روبه روی خیابان بدون پنجره باشد همچنین تخریب ساختمان

هایی که وارد حریم کوچه و ساختمان شده و باعث پیچ و خم کوچه‌ها شده‌اند که این منازل در محله‌های قدیمی به وضوح قابل مشاهده است.

۲- نحوه طراحی محیط می‌تواند موجب ایجاد فرصت‌های مجرمانه و تسهیل ارتکاب جرم یا پیشگیری شود. در واقع محیط فیزیکی مناسب (مانند ساخت خانه‌هایی با دیوارهای بلند) زمینه‌ای را فراهم می‌کند که بزهکار به فرصت جرم توجه کند و منصرف شود.

۳- عدم وجود نگهبان و نظارت رسمی بر پارکها و محله‌ها، طراحی پارکینگ‌های سر باز و عدم کنترل و نظارت دقیق بر ورود و خروج آنها از عوامل افزایش جرم می‌باشد. که می‌توان با نظارت (طبیعی-دوربین مداربسته) از بروز جرم کاست.

۴- طراحی مناسب، مدرن و کاربردی مؤثر از محیط ساختمان و ... که منجر به ترس ناشی از جرم می‌شود، منجر به کاهش بزهکاری می‌شود.

۵- طراحی محیط این کار را از طریق بهبود و افزایش نظارت، بالا بردن احساس تعلق ساکنان به قلمرو و ایجاد تصویری مثبت از محله‌ها انجام می‌دهد با ایجاد موانع نمادین و فیزیکی مانند فنس می‌توان از ورود افراد غیر مجاز ساکن محیط مسکونی جلوگیری کرد.

برای دستیابی به یک طراحی مناسب و جلوگیری از پیشگیری از جرم باید سؤالات زیر را مطرح و به آن پاسخ مناسبی بدهند. ۱- وضعیت سیاست‌های معماری و شهرسازی در پیشگیری از جرم، در حال حاضر چگونه است؟ در واقع اکنون در کجای کار قرار داریم؟ ۲- کجا می‌خواهیم باشیم؟ ۳- چگونه می‌خواهیم به آن برسیم؟ ۴- روش‌های ارزیابی پیشرفت کار چگونه است؟

دلیل اصلی شکست برنامه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی در گذشته، در برخی از کشورها، عدم توجه به این مسائل بوده است. در این کشورها طرح‌ها اکثراً اجرایی نشده است. اگر بخواهیم برخی از دلایل اجرایی نشدن برنامه‌ها و خدمات صورت گرفته در سطح سیاست‌گذاری‌های کلان را نام ببریم می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: ۱- ارزیابی نامناسب مشکلات ۲- تشخیص نامناسب احتیاجات و توانایی‌های سازمان و ۳- ارائه راه حل‌هایی که مشکلات را پوشش نمی‌دهند.

منابع

- ۱- احمدی، حسین. (۱۳۸۰). ریشه‌های پیدایش ایده شهر سالم. فصلنامه بین‌المللی فنی مهندسی.
- ۲- بحرینی، سید حسین. (۱۳۷۷). فرآیند طراحی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳- حبیبی، محسن و احمدی، زهرا. (۱۳۷۳). تأمین مسکن، ایجاد سرپناه با تأمین محیط مناسب سکونت. مجموعه مقالات سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران.
- ۴- حناچی، سیمین و مژگانی، پروانه. (۱۳۸۵). ضرورت به‌کارگیری راهکارهای طراحی فضاهای عمومی شهری در کاهش جرم‌زایی. ماهنامه شمس.
- ۵- خدابخشی، شهر. (۱۳۸۳). شهر، مبلمان شهری و شهروندان. نشریه ساخت‌وساز، شماره ۲۴.
- ۶- رحمت، محمدرضا. (۱۳۹۰). پیشگیری از جرم از طریق معماری. تهران: نشر میزان.
- ۷- زندی، کورش. (۱۳۸۵). طراحی شهری ایمن و راهبردهای کاهش جرم. تهران: مرکز مطالعات شهرسازی.
- ۸- (این منبع در مقاله برای توضیح مفهوم طراحی محیطی و امنیت استفاده شده است).
- ۹- شرافتی‌پور، جعفر و عبدی، نرگس. (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی.

- ۱۰- عامری سیاهویی، حمیدرضا. (۱۳۷۸). نقش معماری در پیشگیری از جرم. تهران: نشر مجد.
- ۱۱- کلانتری، محسن؛ حیدریان، مسعود؛ محمودی، عاطفه. (۱۳۹۰). ایمن‌سازی فضای کالبدی شهرها در برابر بزهکاری با استفاده از راهبردهای پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی. فصلنامه دانش انتظامی.
- ۱۲- کلانتری، محسن. (۱۳۸۰). بررسی جغرافیای جرم و جنایت در مناطق تهران. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران.
- ۱۳- نظریان، اصغر؛ زیاری، یوسفعلی؛ خزاعی، نساء. (۱۳۹۲). بررسی نظریه‌های جرم‌شناسی محیطی و نقش آن‌ها در پیشگیری از بزهکاری شهری. پژوهش‌های علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- ۱۴- هون، تن‌کین. (۱۳۸۵). پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی. ترجمه علی سلطانی. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم.
- ۱۵- نیومن، اسکار. (۱۳۸۵). فضای قابل دفاع. ترجمه علی سلطانی. تهران: نشر مجد.
- ۱۶- Andropogon Associates. (۱۹۸۹). Landscape Management and Restoration Program for the Woodlands of Central Park. Central Park Administration, New York.
- ۱۷- Baxter, J. C., & Deanovich, B. S. (۱۹۷۰). Anxiety Arousing Effects of Inappropriate Crowding. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, ۳۵.
- ۱۸- Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (۲۰۰۳). *Public Places, Urban Spaces*. Architectural Press.
- ۱۹- Clarke, R. V. (۱۹۹۷). *Situational Crime Prevention: Successful Case Studies*. Harrow and Heston.
- ۲۰- Coupland, A. (۱۹۹۷). *Reclaiming the City: Mixed Use Development*. E & FN Spon.
- ۲۱- Jacobs, J. (۱۹۶۱). *The Death and Life of Great American Cities*. Random House.
- ۲۲- Newman, O. (۱۹۷۲). *Defensible Space: Crime Prevention Through Urban Design*. Macmillan.